

ببین و بگو

هر آیه به کدام تصویر مربوط است؟



الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ
نِعْمَتِي

امروز دین شما را کامل و نعمت را بر شما
تمام کردم.

سورهی مائدہ، آیهی ۳



وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ
يَتِيمًا وَ أَسِيرًا

غذای خود را با اینکه به آن نیاز داشتند،
به فقیر و یتیم و فرد گرفتاری بخشیدند.

سورهی انسان، آیهی ۸



إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ
رَاكِعُونَ

سرپرست شما، تنها خداست و پیامبر او
و مؤمنانی که نماز را برپا می‌دارند و در
حال رکوع به نیازمندان می‌بخشند.

سورهی مائدہ، آیهی ۵۵

دو روز است که به سامرا آمده‌ایم؛

در این دو روز، چند نوبت مرقد شریف امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام را زیارت کرده، و در صحن باصفایشان نماز خوانده‌ایم و حالا کنار رود پرخروش دجله آمده‌ایم تا در ساحلش قدم بزنیم.

پدرم با دقت به دو طرف دجله نگاه می‌کند و به افق‌های دور چشم می‌دوزد و بعد سرش را تکان می‌دهد:

- «نه! هیچ نشانی از آن شکوه شاهانه نمی‌بینم!»

من که از کنجکاوی پدرم تعجب کرده‌ام، می‌پرسم: «منظور شما چیست؟ به دنبال چه می‌گردید؟»

- «قصرهای حاکمان عباسی! هر چه جست‌وجو می‌کنم، نشانی از آنها نمی‌بینم».

پدرم به کتابی که در دست دارد، اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد:

«در این کتاب خوانده‌ام که سامرا پنجاه و پنج سال پایتخت حاکمان عباسی بوده است. حاکمان و فرزندان‌شان و درباریان آنها قصرهای زیادی در کنار دجله داشته‌اند؛ قصرهایی به هم پیوسته و تو در تو در دو سوی ساحل دجله! کاخ‌هایی آراسته و پر از نقش و نگار با وسایل گران‌قیمت و سفره‌های رنگارنگ...»

اما الان هیچ نشانی از آنها نیست!

من هم مانند پدرم با کنجکاوی به اطراف دجله نگاه می‌کنم و به زمین‌های خالی چشم می‌دوزم!

در این هنگام پدرم با دست به گنبد امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام اشاره می‌کند و می‌گوید:

«بنی‌عباس با آن همه قدرت و ثروت فراموش شدند و کسی از آنها به نیکی یاد نمی‌کند، ولی مرقد نورانی امام هادی و فرزند عزیزش را ببین؛ زائران مثل پرستو

پدر گرامی اش **امام جواد علیه السلام** را در **اوج جوانی** به شهادت رساندند و **امام هادی علیه السلام** با اینکه سنش هنوز به نوجوانی هم نرسیده بود، امام و پیشوای مردم شد. در مسجد پیامبر به شاگردان پدرش درس می داد، خیلی از مردم، مخصوصاً آنهایی که امام را نمی شناختند با تعجب او را نگاه می کردند:

«عجب نوجوان باهوش و با استعدادی!»

او شاگردان زیادی تربیت کرد که همه از عالمان بزرگ شدند. یکی از مشهورترین شاگردان ایشان **حضرت عبدالطیم حسنی** است که حرمش در **شهر ری** قرار دارد.

متوکل که می دانست مردم به امام هادی علیه السلام علاقه دارند و از اتحاد و همدلی میان ایشان می ترسید، دستور داد امام را با زور و اجبار از مدینه به **سامرا** بیاورند. امام هادی علیه السلام، سال های سال در سامرا در نهایت سختی زندگی کرد. متوکل همیشه امام عزیز را زیر نظر داشت و بارها دستور داد شبانه به خانه ی امام بریزند و خانه اش را با زرسی کنند. او حتی به این هم بسنده نکرد و دستور داد تا مدتی امام را در زندان نگه دارند! امام با همه ی سختی ها و رنج ها از راهنمایی و ارشاد مردم دست برنداشت و از راه دیدارهای مخفیانه و نامه نگاری با مردم ارتباط داشت و آنها را از هدایت های دلسوزانه ی خوش بهره مندی ساخت.

وقتی نیازمندی به خانه ی ایشان می آمد، قبل از اینکه سختی بگوید، امام مهربان به او کمک می کرد، آن قدر زیاد که بتواند مشکش را برطرف کند.

یکی از دوستانش به بیماری شدیدی مبتلا شد. پزشک برایش دارو نوشت. اما هر چه جست و جو کردند، دارویش را پیدا نکردند. امام هادی علیه السلام همین که فهمید دوستش به دارو نیاز دارد به دنبال تمهیدی آن دارو رفت؛ آن را پیدا کرد و برای دوستش فرستاد.

همدل بودن با انسان ها

مهربانی

بررسی کنید

با توجه به متن درس، چند نمونه از ویژگی‌های امام هادی علیه السلام را بنویسید.

بخشنده‌گی و سخاوتمندی

شجاعت

آگاه بودن

ایستادن در برابر ظلم ظالمان

دوست دارید کدام یک از این ویژگی‌ها را شما هم داشته باشید؟

ایستگاه فکر

مجری اخبار اعلام کرد:

«قهرمان گلستانی، مدال پارالمپیک خود را به زلزله‌زدگان غرب کشور اهدا کرد».

به نظر شما این رفتار با کدام یک از داستان‌های درس ارتباط دارد؟ **بخشنده‌گی**

خاطره‌گویی

این سخن از امام هادی علیه السلام را بخوانید.

به جای اینکه برای عدم موفقیت‌های گذشته حسرت و اندوه بخوری، با داشتن تصمیم و اراده‌ی قوی، آنها را جبران کن.

آیا شما خاطره‌ای در این باره دارید؟ آن را در کلاس برای دوستانتان تعریف کنید.